

---

## بازخوانی و تحلیل مؤلفه های تمدن ساز جامعه مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور

---

طاهره بتول مظفری کیا<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

ریحانه حقانی<sup>۲</sup>

### چکیده:

یکی از مسائل حساس و سرنوشت ساز دوران معاصر زمینه سازی تحقق تمدن نوین اسلامی است. این موضوع از دغدغه های مهم عالمان و متفکران جهان تشیع به ویژه مقام معظم رهبری حفظه الله است. ایشان هدف نهایی انقلاب اسلامی را پایه گذاری تمدن اسلامی در سراسر جهان می داند که با ورود انقلاب به گام دوم آن، در واقع وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. گسترش فرهنگ غربی و تأکید رهبری بر تأسیس تمدن نوین اسلامی با هدف رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه که از ارکان تمدن غربی است، ضرورت بازخوانی و شناسائی مؤلفه های تمدن ساز جامعه مهدوی را بیش از پیش روشن می کند. تمدن اسلامی با رویکرد جامعه مهدوی، باوری فراگیر است که همه تمدن ها و فرهنگ ها را تحت پوشش قرار داده و سراسر زمین به انسان های شایسته به

---

۱. سطح ۳ رشته تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع)، ، mrm608654@gmail.com :

۲. Haghani.r@jz.ac.ir سطح ۴ تفسیر تطبیقی و دکتری کلام، معاون پژوهش جامعه الزهراء (ع)

ارث خواهد رسید. مولفه های فردی آن شامل اصلاح طلبی، خودشناسی، وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری است و مؤلفه های اجتماعی تمدن نوین اسلامی حاکی از حاکمیت صالحان، جهانی شدن اسلام و گسترش امنیت است. این نوشتار به شیوه کتابخانه ای به جمع آوری داده ها پرداخته و به روش توصیفی و تحلیلی گزاره های خود را تبیین کرده است. واژگان کلیدی: آیه ۵۵ سوره نور، قرآن کریم، مؤلفه های تمدن، جامعه مهدوی، امنیت، عدالت محوری، بیانیه گام دوم.

## مقدمه

با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخستین تمدن اسلامی در مدینه شکل گرفت و به سرزمین های دیگر راه یافت و ملت های دیگر را دگرگون کرد و در پرتو خود انسان ها را از تاریکی و جهل درآورد و به اوج روشنائی و دانایی رساند؛ اما کم کم، اختلاف ها، ناشایستگی حاکمان و دور افتادن از آیین اسلامی سبب شد، تمدن اسلامی از اوج فرود آید. اما این وعده خداوند است که بار دیگر پرهیزگاران و صالحان، حاکم بر زمین خواهند شد. در تمدن مهدوی، سراسر زمین به انسان های شایسته به ارث خواهد رسید و این تمدن همه تمدن ها و فرهنگ ها را زیر پوشش قرار خواهد داد. روح انسانیت و معنویت، فضای زندگی را پر خواهد کرد و در سایه چنین تمدنی فراگیر، فرهنگ و تمدن بشری، به اوج خود خواهد رسید. آگاهی نسبت به مؤلفه های تمدن مهدوی باعث می شود شبهه های فراوانی که دشمنان برای گمراه کردن جوانان وارد می کنند خنثی شده و شوق و انگیزه افراد برای زمینه سازی ظهور و ایجاد تمدن مهدوی، بیشتر شود. قرآن کریم برخی از این مؤلفه ها را بیان نموده است. از آنجا که این موضوع از دغدغه های مهم مقام معظم رهبری حفظه الله است، در سراسر این نوشتار این سؤال اساسی دنبال می شود که مؤلفه های تمدن ساز جامعه مهدوی بر اساس آیه ۵۵ سوره نور چیست؟ در این نوشتار به مؤلفه های فردی تمدن نوین اسلامی که شامل اصلاح طلبی، خود شناسی، وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری است و همچنین مؤلفه های اجتماعی تمدن نوین اسلامی که شامل حاکمیت صالحان، جهانی شدن و گسترش امنیت است، پرداخته شده است. این نوشتار به شیوه کتابخانه ای به جمع آوری داده ها پرداخته و گزاره های خود را تبیین کرده است.

### (۱) مفهوم شناسی:

کلمه تمدن در عربی معادل الحضاره به معنای اقامت در شهر است (ابن منظور، بی تا: ۱۹۷/۴). در فرهنگ فارسی تمدن به معنای به اخلاق شهری ها در آمدن (سیاح، ۱۳۶۵: ۱۴۸۹)، به اخلاق مردم شهر نشین خو گرفتن و از جهل و نادانی به شهری گری و انسانیت

تغییر یافتن است (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۵۸).

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خداوند متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد و زندگی خوب و عزت مندی داشته باشد (امام خامنه ای، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۷۳/۶/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2726>).

مؤلفه: در لغت به معنای ترکیب شده از چیزی است (بستانی، ۱۳۷۵: ۷۷۴). در اصطلاح یعنی عنصر یا اجزای تشکیل دهنده یک چیز که بدون داشتن آن ها نمی توانیم آن چیز را تجزیه و تحلیل کنیم.

#### پیشینه

از کتب اولیه که در زمینه مهدویت نوشته شده، کتاب الغیبة (نعمانی) است. در این کتاب احادیث ارزشمندی در خصوص صفات، سن، علامات قبل از ظهور، مدت حکومت، اصحاب حضرت و بلایای قبل از ظهور حضرت جمع آوری شده است. کتاب دیگر، کتاب کمال الدین و تمام النعمة (شیخ صدوق) است که در دو جلد به جمع آوری احادیث در موضوعات مختلف پرداخته است، جلد دوم این کتاب شامل ۶۳ باب است که باب های ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ثواب انتظار و نشانه های ظهور، احادیث متعددی آورده است.

کتاب «عصر ظهور» نوشته علی کورانی و مترجم آن عباس جلالی است. این کتاب سیمای کلی دوران ظهور را ترسیم می کند و نقش رومیان یهودیان و اعراب و ایرانیان را در دوران ظهور و قیام های عصر ظهور را بیان می کند؛ سپس به فتح جهان توسط حضرت و یکپارچگی تمام دولت های جهان به صورت یک حکومت واحد می پردازد. کتاب «امام مهدی از ولادت تا ظهور» نوشته سید محمد کاظم قزوینی در بیست و چهار بخش تنظیم شده است. در این کتاب دوران پیش از ولادت امام و پس از آن و دوران غیبت و رخدادهای بی شمار آن در عصر غیبت رخ می دهد و به عصر ظهور قیام و نهضت ایشان و برخی از طرح ها و دستاوردهای



حکومت باشکوه و عملکرد سازنده در جامعه بشری اشاره می کند. در فصل بیست و یکم این کتاب به زندگی جامعه بشری در عصر ظهور اشاره کرده است و ویژگی های حکومت بیان شده است.

از پایان نامه ها هم می توان به پایان نامه «تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری» نوشته محمد اسماعیلی کل گچی اشاره کرد. در این پایان نامه مؤلفه های عمومی و اختصاصی تمدن نوین اسلامی و اهداف این تمدن و عوامل و موانع پیشرفت تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری بیان شده است. این نوشتار سعی دارد مؤلفه های تمدن نوین اسلامی را با توجه به بیانیته گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

## ۲) مؤلفه های فردی تمدن نوین اسلامی:

### ۲/۱: اصلاح طلبی:

آنچه به طور قطع مورد نظر اسلام است اصلاحات انقلابی و اصلاحات حقیقی است. تمدن مهدوی، تمدن مادی و معنوی است؛ از این رو، تمدن اسلام، در آخر زمان، راه و رسم جدیدی را در پی خواهد گرفت. این تمدن چون از وحی سرچشمه می گیرد از هرگونه خرافه ای که در طول زمان بر چهره آموزه های اسلام نشسته، پاک خواهد شد و از نو جلوه خواهد کرد، به گونه ای که گویا اولین بار است که چنین تمدنی، با این ویژگی ها، برقرار می شود.

با گذشت زمان و حکومت ظالمان به تدریج آموزه های قرآن و سنت های حسنه اسلامی به فراموشی سپرده شده است. قرآن دچار تحریف معنوی و تفسیر به رأی ها شده است؛ اما حضرت مهدی علیه السلام قوانین فراموش شده قرآن و سنت را که همواره در تاریخ به دلایل مختلف تعطیل شده بود دوباره احیاء خواهد کرد. دین اسلام در عصر ظهور، خالص، به دور از هرگونه جعل، تحریف و کاملاً منطبق بر آن چیزی خواهد بود که خدای متعال بر پیامبر گرامی نازل کرده بود و همه به هدایت قرآنی رهنمون خواهند شد. امام علی علیه السلام حکومت

قرآنی حضرت مهدی علیه السلام را چنین توصیف فرمود: «يُعْطَى الْهَوَى عَلَى الْهَدَى إِذَا عَظُمُوا الْهَدَى عَلَى الْهَوَى وَ يُعْطَى الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظُمُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸): هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار داده‌اند، حضرت مهدی علیه السلام خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند و هنگامی که به نام تفسیر، نظریه‌های خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها را تابع قرآن می‌سازد» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

روایات تصریح می‌کنند که برنامه حضرت، ترویج و گسترش اسلام و احیاء قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، در روایتی آمده است: «فَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا ... ثُمَّ اسْتَأْنَفَ بِكُمْ تَعْلِيمَ الْقُرْآنِ وَ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ الْأَحْكَامِ وَ الْفَرَائِضِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ (مجلسی، بی تا: ۲/۲۴۷): هنگامی که قائم ما قیام کند، قرآن و شریعت را به نحوی که خداوند بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده به مردم تعلیم می‌دهد». پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن و سنت مظلوم واقع شدند و در حاشیه قرار گرفتند. در دوران آخر الزمان بر این مظلومیت افزوده شده است و نه تنها عمل به دستورات قرآن کم‌رنگ تر شده بلکه مطابق ذوق و سلیقه افراد تفسیر گردیده است. با قیام حضرت، قرآن و سنت احیاء گردیده و عمل به آنها در صدر دستورات قرار خواهد گرفت (همتی، ۱۳۸۵: ۲۸۳) و قرآن و فرائض دینی را به همان صورتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده به مردم معرفی خواهد کرد.

در زمان غیبت، بدعت‌هایی در دین پدید می‌آید و بسیاری از حدود و احکام، چنان فراموش می‌شود که گویا از اسلام نبوده است؛ لذا گاهی در مورد دعوت آن حضرت، تعبیر دین جدید یا دعوت جدید در احادیث دیده می‌شود، چنان‌که امام باقر علیه السلام در روایتی فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ وَ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ (مجلسی، بی تا: ۳۶۶/۵۲): هنگامی که قائم ما به پا می‌خیزد، مردم را به سوی امر تازه‌ای فرا می‌خواند، چنان‌که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مردم را این‌گونه فرا خواند. اسلام در حالت غربت ظاهر شد و به زودی غریب می‌شود. پس خوشا به حال غریبان». منظور از امر جدیدی که حضرت، مردم را به آن دعوت می‌کند، بیان احکام واقعی

و احیاء و اجرای احکام تعطیل شده در دین خدا است، که چون آن حضرت به آن‌ها قیام می‌کند، برخی می‌پندارند که دین جدیدی آورده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶۵). همان‌طور که اسلام در آغاز ناشناخته بود بعدها هم به خاطر افزودن خرافات ناشناخته خواهد شد، اما به وسیله حضرت مهدی علیه السلام از نو معرفی شده و بدعت‌ها از بین خواهد رفت و چهره حقیقی اسلام نمایان خواهد شد.

باید در مقابل بدعت گذاران قیام کرد و پرده از تزویر و نیرنگ آنها برداشت و راه نادرست آنها را برای مردم آشکار کرد و بدین‌گونه از گمراهی مردم جلوگیری کرد. متأسفانه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بدعت‌های بسیاری در مسیر دین‌داری پدید آوردند و چهره دین را به حجاب هواها و سلیقه‌های شخصی پوشاندند؛ هر چند امامان معصوم و به دنبال آنها عالمان دین کوشیدند ولی همچنان راه بدعت‌گذاری باقی ماند و در دوران غیبت سیر صعودی گرفت (رضوانی، ۱۳۸۵: ۱۸۵). مبارزه با بدعت‌گذاران و نشان دادن چهره اصلی آن‌ها، یکی از برنامه‌های اصلاحی حضرت است تا زمینه‌های هدایت فراهم شود. طبق روایات در آن زمان هیچ بدعتی باقی نخواهد ماند، امام باقر علیه السلام در توصیف زمان ظهور فرمود: «وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أَرَاَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا (مفید، ۱۳۷۱: ۳۸۵): هیچ بدعتی را و نگذارد مگر این‌که آن را از بین می‌برد و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر اینکه آن را بر پا می‌دارد».

بنابراین، حضرت مهدی علیه السلام ارزش‌های اسلامی را بار دیگر زنده خواهد کرد و حکومتی برپا خواهد کرد که قوانین اساسی آن از کتاب و سنت گرفته شده است.

هدف نهایی، از خلقت انسان قرب به خدا و عبادت و بندگی اوست. عبادتی که مکتب عالی تربیت انسانها و پرورش دهنده روح و جان آنها است، عبادتی که بندگان برای پیمودن راه تکامل به آن نیازمند اند. منتها عبادت خالی از هرگونه شرك و نفی و هرگونه قانون غیر خدا جز از طریق تأسیس يك حکومت عدل امکان پذیر نیست. ممکن است با استفاده از تعلیم و تربیت مستمر گروهی را متوجه حق نمود، ولی تعمیم این مسأله در جامعه انسانی جز از طریق تأسیس حکومت صالحان با ایمان امکان پذیر نیست، به همین دلیل انبیاء بزرگ

همت‌شان تشکیل چنین حکومتی بوده، مخصوصاً پیامبر اسلام ﷺ در نخستین فرصت ممکن یعنی به هنگام هجرت به مدینه اقدام به تشکیل نمونه‌ای از این حکومت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۳۳).

می‌توان نتیجه گرفت که چنین حکومتی تمام تلاش‌هایش از جنگ و صلح گرفته تا برنامه‌های آموزشی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی، همه در مسیر بندگی خدا، بندگی خالی از هرگونه شرك است. معنی حکومت صالحان و تمکین آیین حق و عبادت خالی از شرك، این نیست که در چنان جامعه‌ای هیچ گنهکار و منحرفی وجود نخواهد داشت، چون انسان دارای آزادی اراده است و ممکن است در بهترین جوامع الهی و انسانی افراد منحرفی وجود داشته باشد؛ بلکه مفهومی این است که نظام حکومت در دست مؤمنان صالح است، و چهره عمومی جامعه خالی از شرك است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۳۴). در آن عصر، همه خدا را به یگانگی پرستش می‌کنند و شریکی برای او قرار نمی‌دهند، در نتیجه توحید خالص و پاک از هر گونه شرك حاکم می‌شود، «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا: آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت» (نور، ۵۵).

بنابراین، برای سوق دادن جامعه به سوی تمدن‌سازی نوین اسلامی، لازم است علاوه بر اصلاح طلبی، عمل به سه وظیفه خودشناسی، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری صورت پذیرد که در ادامه به تفصیل به آن می‌پردازیم.

## ۲/۲: خودشناسی:

در اسلام خودسازی به عنوان جهاد اکبر، از وظایف بسیار مهمی است که هر فرد باید به آن بپردازد. خودسازی می‌تواند در ابعاد جسمی، روحی، فکری، اخلاقی و بخصوص ایمانی و اعتقادی صورت گیرد. برای رسیدن به خودسازی لازم است فرد ابتدا خود را در تمامی ابعاد وجودی خویش بشناسد، ثمره این خودشناسی، معرفت خداوند است که در خودسازی و تربیت خود تجلی می‌یابد.

از جمله مسائل مهمی که در نهج‌البلاغه سخت مورد توجه قرار گرفته است؛ مسئله

خودشناسی است. از مهمترین سفارش های امام علی علیه السلام شناخت، معرفت و رشدیافتگی انسان است و در این باره فرمود: «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ: نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست» (نهج البلاغه: حکمت ۱۴۹).

در بینش اسلام، خودشناسی مفهومی اساسی است که از دو راه معرفت انفسی و آفاقی ممکن و میسر می شود و خود منشأ بسیاری از آموزه های اخلاقی و تربیتی می باشد. از دیدگاه اسلام، انسان موجودی دوبعدی است؛ یک بعد وجودی انسان جنبه مادی و جسمانی اوست و دیگری، بعد معنوی و غیرمادی وجود انسان است که از آن به «روح» یا «نفس» یاد می شود. روح به این دلیل که منشأ الهی و آسمانی دارد جنبه حقیقی وجود انسان است. بر این اساس، انسان از یک سو، رو به خاک و از سوی دیگر، روی به آسمان و ملکوت دارد (نصری، ۱۳۶۱: ۸۳). تأمل در وجود خویشتن و شناخت استعدادهای درونی، اوصاف نفسانی و کشش های باطنی در اسلام مقدمه خداشناسی است.

در قرآن از آیات آفاقی و انفسی به عنوان نشانه هایی برای شناخت خداوند یاد شده است: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات: ۲۰ و ۲۱). علامه طباطبائی در تفسیر این آیات می فرماید: به هر سو از جوانب عالم که توجه کنیم، آیتی است روشن و برهانی است قاطع بر وحدانیت رب آن و اینکه رب عالم شریکی ندارد. برهانی که در آن، حق و حقیقت برای اهل یقین جلوه می کند. پس در این عالم آیتی است برای اهل یقین. «و فی انفسکم افلا تبصرون» این جمله عطف است بر جمله «فی الارض»؛ می فرماید: و در انفس خود شما آیات روشنی است برای کسی که آن را ببیند و به نظر دقت در آن بنگرد، آیا نمی بینید؟ (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۷۳).

۱. معرفت آفاقی: هنگامی که انسان به تفکر در طبیعت و جهان هستی می پردازد، ضمن شناخت پدیده ها و موجودات آفرینش، با مقایسه میان آفرینش خود و سایر مخلوقات و مشاهده توانایی ها و استعداد های خاصی که خداوند در وجودش به ودیعه نهاده است، به خودآگاهی و خداآگاهی می رسد. این خودآگاهی سبب می شود که انسان جایگاه خود را به

عنوان جانشین خدا بر زمین درک کند و از توانایی‌ها و استعدادهایش در جهت تکامل و نیل به مقام خلیفه الهی استفاده نماید. این خودآگاهی حاصل معرفت حصولی است؛ زیرا از طریق مفاهیم و استدلال‌های عقلی به دست آمده است (رحیمیان، ۱۳۸۴: ۱۲).

۲. معرفت انفسی: در معرفت انفسی، انسان با تأمل در نفس خویشتن، بدون به کارگیری هرگونه مفهوم و استدلال عقلی، از راه کشف و شهود به درک حضوری و بی واسطه‌ای از خویش می‌رسد. در این نوع معرفت، انسان مراحل و منازل را برای شناخت، رشد و تعالی نفس خویش می‌پیماید تا اینکه در نهایت به شناخت آفریدگارش نایل می‌گردد (رحیمیان، ۱۳۸۴: ۱۵). حرکت تکاملی انسان با معرفت به نفس آغاز می‌گردد. نفس از طریق سیر و سلوک و گذر از مراتب نفسانی، به خودآگاهی می‌رسد و در نهایت، به شناخت پروردگار و یگانگی با ذات وی نایل می‌گردد. از این رو، خودشناسی مقدمه خداشناسی می‌باشد؛ زیرا سیر از خود، بستر اصلی سیر به سوی خداست. به سخن دیگر، خودشناسی نزدیک‌ترین راه معرفت به پروردگار است. انسان با تأمل در نفس خویش (از آن رو که آینه اسماء و صفات آفریدگار است) و گذر از مراحل و منازل برای رشد و تعالی نفس خویش، به خودشناسی و در نهایت به خداشناسی می‌رسد (رودگر، ۱۳۸۲: ۵۸). از آنجایی که انسانیت انسان به بعد ملکوتی و معنوی او می‌باشد، انسان می‌تواند از راه مبارزه با نفس اماره و تعدیل آن، بعد معنوی وجودش را بر بعد مادی غلبه بدهد و به سعادت واقعی دست یابد (مظاهری، ۱۳۶۹: ۷۹/۱).

خودشناسی و شناخت همه جانبه نفس و حقیقت انسان، نخستین گام در جهت خودسازی می‌باشد. انسان با شناخت خویشتن و آگاهی از استعدادها و خصوصیات مثبت و منفی وجود خود می‌تواند در مسیر خودسازی پیش رود و بر موانعی که جلوی حرکت تکاملی و رشد و شکوفایی او را می‌گیرند، غلبه کند. اساساً خودشناسی نقطه آغازین حرکت تکاملی انسان و سرمایه اصلی اصلاح و پیراستن نفس از آلودگی‌ها و مبارزه با خواهش‌های نفسانی می‌باشد؛ از این رو، می‌توان گفت خودشناسی، مقدمه خودسازی و

خداشناسی است.

### ۲/۳: وظیفه شناسی:

انسان نسبت به خود، خداوند و مردم و جانداران و طبیعت وظایفی دارد که باید آنها را بشناسد. این وظایف در آیات و روایات بیان شده اند. از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود. در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، حقوق و وظایف انسان بیان شده است که با مراجعه به آن می توان از این حقوق آگاه شد.

همه به خصوص طلاب و روحانیون نسبت به حفظ و حراست از انقلاب و ارزش های آن، مسئولیت و وظیفه داشته و در این باره باید با بصیرت و مجاهدت انقلابی به سهم خود در تحقق منویات و فرمایشات مقام معظم رهبری بکوشند و تلاش کنند مردم را هر چه بیشتر و بهتر به سمت شاخصه های سبک زندگی اسلامی سوق دهد. وظیفه شناسی از مهم ترین الزامات موفقیت طلاب و روحانیون انقلابی است، وظیفه اصلی حوزویان در جامعه، هدایت مردم به سمت ارزش های دینی و الهی است و در این راستا بی شک حوزه و طلبه انقلابی می تواند بار سنگین این مسئولیت را به خوبی بر دوش بکشد.

### ۲/۴: مسئولیت پذیری:

بعد از شناخت وظایف، انسان موظف است نسبت به انجام وظایف خود احساس مسئولیت داشته باشد و آن را به درستی و بر پایه مسئولیتی که بر عهده گرفته است، انجام دهد و کم کاری در این مورد نشان از عدم تعهد و فقدان مسئولیت است. حس مسئولیت، گاه در برابر خود انسان است که تقوا از بارزترین نمونه آن است و گاه در برابر افراد و محیط پیرامون خویش است. تقوا، احساس مسئولیت از درون را افزایش می دهد و انسان باتقوا، همواره یک پلیس معنوی را در درون جان خود حاضر می بیند. به همین خاطر در خلوت و تنهایی، همانند زمانی که در منظر دیگران است، در انجام تعهدات و مسئولیت های

خویش کوتاهی نمی‌کند و در همه حال خدا را شاهد بر اعمال خویش می‌داند. قرآن کریم به همه مؤمنان خطاب می‌کند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ (تحریم، ۶): ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه‌دارید». انسان علاوه بر خود نسبت به دیگران هم وظایفی دارد و در این زمینه هم باید مسئولیت پذیر باشد.

در دین اسلام عبادت و تقرب به خدا، در نماز و روزه و حج و... خلاصه نمی‌شود، بلکه انجام مسئولیت‌های اجتماعی از جمله احسان و خدمت به بندگان خدا، رفع گرفتاری و حل مشکلات آنان نیز در صورتی که با قصد قربت انجام گیرد، از بهترین عبادت‌ها محسوب می‌شود و در برخی موارد از ده‌ها حج و عمره مقبول هم بارزش‌تر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَطْلُبُ بِذَلِكَ مَا عِنْدَ اللَّهِ حَتَّى تُقْضَى لَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَتَيْنِ وَ صَوْمِ شَهْرَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ وَ اعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَنْ مَشَى فِيهَا بِنِيَّةٍ وَ لَمْ تُقْضَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ فَارْعَبُوا فِي الْخَيْرِ (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۹۵/۲): هر کس در راه حاجت برادر مؤمنش گام بردارد تا آن را روا کند و مقصودش ثواب خدا باشد. خدای عز و جل برایش مانند پاداش يك حج و يك عمره پذیرفته و روزه دو ماه حرام با اعتکاف آنها را در مسجد الحرام بنویسد. و هر کس به نیت روا ساختن گام بردارد، ولی برآورده نگردد، خدا برایش مانند يك حج پذیرفته بنویسد، پس در کار خیر رغبت کنید».

گرچه نیاز مالی، یکی از گسترده‌ترین مشکلاتی است که خانواده‌های بسیاری را در برگرفته است، اما احسان و کمک به دیگران تنها به کمک مالی ختم نمی‌شود بلکه کمک جانی، زبانی، حرکت برای رفع مشکلات دیگران، خارج کردن مؤمنان از هم و غم و گرفتاری، مشورت و راهنمایی برای حل مشکلات یا اختلافات، راهنمایی دیگران به خیر و نیکی، نمونه‌هایی از احسان و نیکوکاری است.

بنابراین، اگر ما می‌خواهیم جامعه را به سمت تمدن‌سازی نوین اسلامی سوق دهیم،



باید سه وظیفه خودشناسی، وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری را به نحو احسن انجام دهیم. وظیفه طلاب در حوزه های علمیه که به تحصیل علوم اسلامی می پردازند، به عنوان پیام رسانان دین الهی، این است که با تأسی به سیره اهل بیت علیهم السلام این سه چیز را در جامعه جاری کنند.

### ۳) مؤلفه های اجتماعی تمدن نوین اسلامی:

#### ۳/۱: حاکمیت صالحان:

تشکیل دولت و حکومت یک ضرورت اجتناب ناپذیر عقلی و فطری است و نمی توان از آن بی نیاز بود و بشر تنها در سایه یک زندگی اجتماعی و تشکیلات منسجم سیاسی که در آن حقوق انسان ها محترم شمرده شود می تواند به حیات خود ادامه دهد؛ در غیر این صورت زندگی بشر شکل انسانی و معقولی نخواهد داشت بلکه هرج و مرج و بی قانونی بر آنها حاکم خواهد شد (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۷۸: ۴۴). بنابراین، جامعه زمانی سازمان می یابد و به تمدن مطلوب می رسد که از حاکمیت الهی برخوردار باشد.

اولین حکومت اسلامی در زمان رسول گرامی اسلام بود که پس از هجرت به مدینه انجام گرفت. مردم مدینه، از رهبر مسلمانان به گرمی استقبال کردند و قدرت و نیرو در اختیار آنان نهادند. چیزی نگذشت که به برکت همین هجرت، اسلام به صورت حکومتی نیرومند درآمد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۲۵). در اسلام این ضرورت به خوبی درک شده و وجود حکومت به عنوان یکی از ضروری ترین نیازهای جامعه انسانی مورد تأیید قرار گرفته است.

انبیاء الهی، در صدد تشکیل جامعه ایده آل بر اساس خدا پرستی و ارزش های الهی در سراسر زمین بوده اند و هر کدام در حد امکان، قدمی در این راه برداشته اند؛ بعضی از آنها توانسته اند در محدوده جغرافیایی و زمانی خاصی، حکومت الهی را برقرار سازند. ولی برای هیچ کدام از آنها شرایط تشکیل حکومت جهانی، فراهم نشده است؛ لکن خداوند در قرآن وعده تحقق حکومت الهی را در پهنه زمین داده است که می توان آن را، تحقق هدف نهایی

از بعثت پیامبر خاتم و دین جهانی و جاودانی او به حساب آورد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۳۷۴).

در قرآن آمده است که در آینده، حکومت زمین به افراد باایمان و صالح تعلق خواهد گرفت. خداوند در قرآن، وعده چنین روزی را داده و می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ: خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقانند» (نور: ۵۵). این آیه مژده می‌دهد که صالحان در سراسر جهان حکومت را به دست می‌گیرند، اما این وعده الهی تا به امروز محقق نشده است. بنابراین حکومت زمین به دست افراد صالح و شایسته خواهد افتاد و بر سایر حکومت‌ها سلطه خواهد یافت.

بعضی از مفسران، مراد از صالحان در آیه ۵۵ سوره نور را مخصوص صحابه پیامبر ﷺ دانسته‌اند که با پیروزی اسلام صاحب حکومت در زمین شدند. بعضی مفهوم آن را چنان وسیع دانسته‌اند که این وعده را شامل تمام مسلمانانی که دارای این صفت‌اند می‌دانند. در هر زمانی که پایه‌های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود، آنها صاحب حکومتی ریشه‌دار و پر نفوذ خواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۱۶/۱۳). تاریخ اسلام از آغاز تا کنون نشان داده که این وعده خداوند به طور کامل تحقق پیدا نکرده است. درست است که اسلام در دوره رسول خدا در مدینه به قدرت رسید و تشکیل حکومت داد، اما این حکومت جهانی نبود، آیه وعده می‌دهد که صالحان بر سراسر کره زمین فرمانروایی خواهند

کرد و بدون هیچ ترسی، خدا را پرستیده و آیین اسلام استوار خواهد شد. تاکنون، چنین حکومتی که فراگیر و جهانی باشد، روی کار نیامده است.

بدون شك حکومت مهدی علیه السلام مصداق کامل این آیه است و نمونه کامل حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت خالی از شرك در زمانی تحقق می یابد که حضرت مهدی علیه السلام ظاهر شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۳۰).

بنابراین، حکومت صالحان که خداوند در آیات وعده آن را داده است، حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. حکومتی که در رأس آن خود حضرت، که از نسل پیامبر و اهل بیت است، به همراه اصحابش که آنها هم از افراد صالح هستند، حکومت خواهند کرد. انقلاب ایران، نمونه ای از حکومت هایی است که در برابر زورگویان جهان ایستادگی کرده است.

تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در برابر دولت های مستکبر، خصوصیت شناخته شده ایران و ایرانی است. قدرت های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کرده اند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست دست نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و تا امروز از سلطه دوباره قلدران جهانی با شدت جلوگیری کند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

حضرت مهدی علیه السلام دایره حکومت اسلامی را در کل زمین گسترش می دهد. زمانی که ابر قدرت های شرق و غرب با تمام قدرت بر دنیا مسلط شده اند، حضرت مهدی علیه السلام حکومت را به دست خواهد گرفت و خداوند شرق و غرب جهان را برای او فتح کرده و تمام عالم را زیر پرچم او قرار خواهد داد و زمین به وسیله یک حکومت اسلامی، اداره خواهد شد.

### ۳/۲: جهانی شدن اسلام:

علت اصلی قیام حضرت مهدی علیه السلام، تشکیل حکومت جهانی و دست یافتن به حاکمیتی مقتدر و الهی است. حاکمیتی که فراگیر بوده و شامل تمام نقاط روی زمین می شود، به طوری که هیچ نقطه‌ای از جهان از فیض وجود این حکومت بی بهره نخواهد بود و مردم با آغوش باز پذیرای چنین حکومتی بوده و قدرت های ستمگر را در هم خواهند شکست. در چنین حکومتی، دین اسلام، دین رسمی جهان شده و بانگ توحید از همه جا طنین افکن خواهد شد. این وعده قطعی خداوند، به مردم جهان است که حکومت را به دست بندگان صالح خواهد داد و به وسیله آنها یکتاپرستی را ارزانی خواهد بخشید.

آینده در قلمرو اسلام خواهد بود. برنامه همه جانبه اسلام و نیاز بشریت به این برنامه گواه ابدیت این آئین و حاکمیت مطلق آن در آینده است و رسالتی بزرگ بر عهده دارد، رسالتی که هیچ عقیده و برنامه‌ای جز عقیده و برنامه اسلام قادر به ادای آن نیست (خامنه ای، ۱۳۵۹: ۱۶۵). دعوت اسلام از همان ابتدا همگانی بوده و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده است و آیات مربوط به جهانی بودن اسلام این مطلب را تأیید می کند. شواهد تاریخی نیز نشان می دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سران کشورهای مختلف نامه نوشته و آنها را به پذیرفتن دین اسلام دعوت کرده است (احمدی میانجی، بی تا: ۱۸۱/۱). با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، اسلام گسترش پیدا کرد و افراد زیادی در سراسر جهان به اسلام روی آوردند. دینی که حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور، با آن بر مردم حکومت می کند، دین اسلام است.

در آیه ۵۵ سوره نور به این مطلب اشاره شده است: «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ: خداوند دین و آیینی را که برای آنها پسندیده، پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت» (نور، ۵۵). در این آیه تمکین دین یعنی این که، آن دین را در جامعه مورد عمل قرار دهد، به طوری که هیچ کفری مانعش نشود، و امرش را سبک نشمارد و اصول معارفش مورد اعتقاد همه باشد، به طوری که درباره آن اختلافی نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۵ / ۱۵۲). خداوند دینی که مورد پسندش است را در زمین پا بر جا خواهد ساخت و مانعی در برابر خواسته او وجود

نخواهد داشت. بنابراین، دینی که حضرت بعد از ظهور، با آن بر مردم حکومت می کند دین اسلام است، همان دینی که خداوند وعده جهانی شدن آن را داد و پیامبر اسلام ﷺ در راه آن مجاهدت های زیادی نمود.

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است که خداوند به پیامبر ﷺ فرمود: «حَقُّ عَلَيَّ أَنْ أُظْهِرَ دِينَكَ عَلَى الْأَدْيَانِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا دِينَ إِلَّا دِينُكَ وَ يُؤَدُّونَ إِلَيَّ أَهْلَ دِينِكَ الْجَزِيَّةَ وَ هُمْ صَاغِرُونَ (دیلمی، ۱۳۷۰: ۴۱۱/۲): سزاوار است که من دین تو را آشکارا کنم بر سایر ادیان به طوری که در شرق و غرب جهان دینی جز دین تو باقی نماند و همه، به اهل دین تو در حالت ذلت و پستی، جزیه بپردازند».

خداوند در آیات مختلف وعده داده است که اسلام بر سایر ادیان پیروز خواهد شد. پیامبر اکرم ﷺ حکومت اسلامی تشکیل داد ولی دین اسلام تاکنون بر همه ادیان غالب نشد و باید گفت که تاکنون نیز این همه گیر شدن دین اسلام محقق نشده است. بنابراین، تحقق کامل این وعده بنابر روایات، در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام است، تنها در آن زمان است که هیچ فردی روی زمین نیست جز آن که وارد دین اسلام شده یا تحت سلطه اسلام قرار خواهد گرفت.

با ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز، دین اسلام جهانی شده و مردم به گونه ای بی سابقه به اسلام روی می آورند. در آن زمان، دین خدا در سراسر جهان گسترش یافته و عبودیت خدا به معنای واقعی تحقق خواهد یافت. وعده خداوند است که اسلام را بر سایر ادیان پیروز گرداند. خداوند در قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ: او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» (توبه، ۳۳). این آیه خبر از جهانی شدن اسلام می دهد، چون آیه مطلق است و دلیلی برای محدود کردن آن در عصر پیامبر ﷺ نیست. در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته، ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. سرعت پیشرفت اسلام در جهان و نفوذ سریع آن در کشورهای

دیگر و اسلام آوردن بسیاری از مردم، نشان می‌دهد که اسلام به سوی عالمگیر شدن پیش می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۲/۷).

در تفسیر این آیه محمد بن فضیل از حضرت ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد و حضرت فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ (مجلسی، بی تا: ۳۱۸/۲۳): تا چیره کند دین حق را بر تمام ادیان، هنگام ظهور حضرت قائم».

آیه فوق که با همین الفاظ، در سوره صف، آیه ۹ و سوره فتح، آیه ۲۸ نیز آمده است، خبر از واقعه مهمی می‌دهد که اهمیت آن، موجب تکرار شده است. خبر از جهانی شدن اسلام می‌دهد و مفهوم آیه، پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان و جهان است. حضرت مهدی علیه السلام با حضور خود، حجت را بر انسان‌ها تمام کرده و همه را به دین اسلام دعوت خواهد کرد و با از بین بردن شرک و کفر، توسط ایشان، کافری باقی نخواهد ماند.

در اسلام عقیده توحید زیربنا زندگی انسانی، تمدن و فرهنگ متعالی است. توحید باوری است که همیشه در حال پویایی است. عقیده توحیدی باعث رستگاری دنیوی و اخروی می‌شود چنان که کفر و نافرمانی از خداوند عامل انحطاط جوامع و تمدن‌ها است. خداوند متعال در قرآن، خبر از ظهور و برپایی حکومت جهانی را داده که در آن یکتاپرستی را ارزانی خواهد بخشید. در حکومت حقی که برپا می‌گردد، عبادت حق تعالی به جا آورده می‌شود، عبادتی که با شرک همراه نباشد. «يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ: آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان‌اند (نور، ۵۵). شرک منشاء تمامی گناهان است و اگر انسان تنها خدا را اطاعت کند مرتکب هیچ گناهی نخواهد شد.

اولین هدف بعثت پیامبران دعوت انسانها به یکتاپرستی و ایمان به خدا بوده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، ۳۶): ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید». در تمدن مهدوی هم تنها خدای یگانه پرستش خواهد شد و توحید

به معنای واقعی تحقق خواهد یافت.

به فرموده مقام معظم رهبری، بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت کننده و اداره کننده همه این ها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می دهد، آن جامعه ای که به دنبال توحید حرکت می کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی ایمانی، یکی از همان توطئه هائی است که دشمنان تمدن سازی اسلامی دنبال آن بوده اند و الان هم با شدت این را دنبال می کنند. جامعه بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت و قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه می شود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمی خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده خدا باشد و جبهه عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام می خواهد (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252)

باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه مهدوی؛ هم خودسازی کنیم، هم به قدر توان و امکان مان، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به هر اندازه ای که در وسع و قدرت ما است، به جامعه مهدوی نزدیک کنیم (امام خامنه ای، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه له،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>، ۱۳۹۹/۰۱/۲۱

## ۳/۳: گسترش امنیت:

امنیت، اولین و اساسی ترین نیاز طبیعی انسان است و از ابعاد مختلف فردی و اجتماعی تشکیل یافته که هر یک در جایگاه خود از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی از اهداف و آرمان‌های بزرگ تمدن مهدوی استقرار امنیت است. در آن زمان امنیت از همه جهات آن یعنی امنیت مالی، جانی، آبرویی، فکری و فرهنگی، اعتقادی، روحی و روانی، و... تأمین خواهد شد. این آرمان و هدف به گونه‌ای دارای اهمیت است که تمام اهداف و برنامه‌های حضرت مهدی علیه السلام با آن ارتباط پیدا می‌کند، یعنی در صورت تحقق امنیت است که اهداف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فکری و اخلاقی در سطح گسترده تحقق پیدا خواهد کرد.

نعمت امنیت ریشه همه نعمت‌ها است زیرا هر گاه امنیت از میان برود، دیگر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف‌های اجتماعی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۴/۱۰). در آیات قرآن، وعده الهی برای صالحان، امنیت و آسایش است و انسان‌ها از مواهب یک زندگی سالم، به دور از هرگونه تهدید درونی و بیرونی در سایه امنیت فراگیر جهانی، برخوردار خواهند شد.

قرآن کریم، یکی از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی صالحان را تحقق امنیت معرفی کرده است: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا (نور، ۵۵): و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند». این آیه، وعده زیبایی است برای مؤمنانی که دارای عمل صالح‌اند و به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دین‌شان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترس می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و مانع تراشی آن‌ها بیمی نداشته باشند و خدا را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۵۲).



مؤمنان در طول تاریخ گرفتار مشکلات و مورد ظلم سلاطین و دشمنان بوده و در خوف به سر می بردند. خداوند در این آیه وعده می دهد که این خوف تبدیل به امنیت کامل خواهد شد، اما تبدیل خوف به امنیت کامل، تاکنون تحقق نیافته و این امر تنها با حکومت گسترده مؤمنین بر روی زمین تحقق خواهد یافت. در نتیجه آیه به آینده ای درخشان و دارای امنیت کامل اشاره دارد که مؤمنان به آن خواهند رسید. مطابق برخی از تفاسیر، آیه مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام و عصر حکومت جهانی اوست (رضوانی، ۱۳۸۵: ۱۳). قرآن به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند و به یاری خداوند، حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، نوید امنیت و از میان رفتن تمامی عوامل ترس و وحشت را داده است که مصداق کامل آن حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.

برقراری صلح و امنیت در سطح جهانی، کاری دشوار است و تجربه نشان داده که هیچ حکومتی نتوانسته است این امر را تحقق بخشد، اما دنیا اینگونه نخواهد ماند؛ چرا که خداوند، این اقدام بزرگ و مهم را برعهده حضرت مهدی علیه السلام قرار داده است و در قرآن به برقراری امنیت توسط حکومت صالحان وعده داده است. با قیام حضرت و سرکوبی جنگ طلبان و عاملان ناامنی، امنیت کامل بر سراسر جهان حکمفرما می شود و همه انسان ها با صلح و آرامش در کنار هم زندگی می کنند. چنان امنیتی برقرار خواهد شد که حتی حیوانات وحشی در کنارهم و بدون مزاحمت برای یکدیگر و برای انسان ها، ادامه حیات می دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۷: ۳۳۳).

درباره گسترش امنیت در روزگار حضرت مهدی علیه السلام روایات زیادی آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «لا یسعی الذئب علی شاة و یرفع الشحناء و التباغض و ینزع جمعة کل دابة حتی یدخل الولید یده فی فم الحش فلا یضره و تلقی الولیده الأسد فلا یضرها و یکون فی الابل کأنها کلبها و الذئب فی الغنم کأنه کلبها (حسینی حلی، ۱۳۷۰: ۸۳): (در آن زمان) گرگ مزاحم گوسفندان نمی شود، بغض و دشمنی بر طرف می شود، اذیت و دزدگی هر حیوانی به طوری از بین می رود که اگر طفلی انگشت خود را در دهانه کندوی عسل

بگذارد زنبور به او ضرری نمی‌رساند، شیر، بچه را ملاقات می‌کند ولی ضرری به او نمی‌رساند، شیر دزنده در میان شتران مانند سگی است که از آن‌ها نگهداری می‌کند و گرگ در بین گوسفندان مانند سگ گله خواهد بود».

در جامعه مهدوی، امنیت چنان برقرار خواهد شد که بانویی به تنهایی فاصله عراق تا سوریه را طی می‌کند، بدون آن‌که از تعرض انسان یا حیوانی هراسی به دل راه دهد. امام علی علیه السلام فرمود: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ ذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ حِرَانِي، بی تا: (۱۱۵): اگر قائم ما قیام کند آسمان بقدر کافی می بارد و از زمین گیاه می روید. کینه‌ها از بین رفته و حتی حیوانات نیز با هم سازش دارند. تا آنجایی که یک زن، راه میان عراق تا شام را می پیماید و پای خویش را جز بر گیاهان نمی‌نهد. در آن عصر یک زن با همه زیور آلات خود از عراق بیرون می‌آید و تا شام با امنیت کامل می رود دزنده‌ای او را تهدید نخواهد کرد و او را نخواهد ترساند».

در آن دوران جان انسان‌ها، مورد تهدید قرار نخواهد گرفت و در کمال آرامش و صلح و صفا به زندگی انسانی مشغول خواهند شد. در آن زمان تمام بیماری‌ها از بین خواهد رفت، از جمله بیماری‌های واگیردار که امروزه مردم دنیا با آن مواجه هستند و احساس خطر و ناامنی می‌کنند. امام باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةِ بَرًّا وَ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِي (راوندی، ۱۳۶۷: ۸۳۹): هر که قائم اهل بیت مرا دریابد، اگر بیمار باشد، بهبودی می‌یابد و اگر ناتوان باشد، قوی و نیرومند می‌شود».

انسان نیازمند امنیت و آرامش روحی و روانی است که بدون دغدغه و ترس و اضطراب به زندگی خود ادامه دهد و راه سعادت را طی کند، آرامشی که به تعبیر قرآن بر دل‌های مؤمنان سایه افکنده و خوف و اندوه را از حریم آنان بیرون کند. اگر چنین امنیتی بر دل‌ها حاکم شد، دیگر جایی برای افسردگی و بیماری‌های اعصاب و روان باقی نخواهد ماند. در

جامعه مهدوی، انسانها در سایه تکامل عقل و عاطفه به چنان آرامشی خواهند رسید که هیچ اندوهی آنها فرا نمی‌گیرد و هر نوع بیماری روحی و روانی از آنها دور خواهد شد. امام سجاد علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۹۵): چون قائم ما قیام کند خداوند بیماری و اندوه را از شیعیان ما برمی‌دارد».

فقدان امنیت عوامل مختلفی مثل فقر، محرومیت، ضعف ایمان به خدا و ناتوانی دولت در تعقیب و مجازات باندهای تبهکار دارد که در عصر حضرت مهدی علیه السلام تمام این عوامل از بین خواهد رفت و بر اثر شیوه های تربیتی که امام در جامعه پیاده می‌کند، انسانها به مراحل والایی از تکامل و رشد فکری و شرافت انسانی می‌رسند که خود را فراتر از آن می‌دانند که مرتکب گناه و جنایت گردند (قزوینی، ۱۳۹۶: ۵۱۱).

برخورد قاطعانه و عدالت محور حضرت با متجاوزان به عقاید، ایمان، جان، مال و ناموس مردم فرصت ایجاد هر ناامنی را از آنان خواهد گرفت. هر چند در هر عصری اثری از امنیت نسبی دیده می‌شود اما امنیت مطلق و همه جانبه از آن کسانی است که بر اساس عقل سلیم و گرایش فطرت پاک به دعوت توحیدی حضرت مهدی علیه السلام لبیک می‌گویند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶۰). جهان، در عصر حکومت او روی آرامش و امنیت را خواهد دید و جایی برای ناامنی نخواهد ماند.

امنیت به گونه ای بر جهان سایه خواهد افکند که مردم نه از دشمنان داخلی بترسند و نه از دشمنان خارجی، و از ظلم ستمگران در امان خواهند بود. حضرت مهدی علیه السلام پدیدآورنده امنیت است و همه معیارها و ضوابط غیرانسانی و نادرست را کنار می‌زند و حرکت جامعه و روابط انسانی را بر پایه های قانون و عدل و احترام به حقوق انسانها استوار می‌سازد. دوستی جای دشمنی را می‌گیرد و جامعه امن و زندگی آرام که نمونه زندگی در بهشت جاوید است، نصیب انسان می‌گردد (حکیمی، ۱۳۷۴: ۱۹۸).

بنابراین، امنیت کامل فردی و اجتماعی در آن عصر محقق خواهد شد، امنیتی که بشر در طول تاریخ، مثل آن را ندیده است. در نتیجه شهر امن و سلامتی که خدای متعال نوید و

مژده آن را به مؤمنان و مستضعفان جهان داده است تحقق پیدا خواهد کرد و همه انسان‌ها با امنیت و آرامش درونی کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد و از شرارت، ناامنی، اضطراب و نگرانی خبری نخواهد بود.

### نتیجه‌گیری

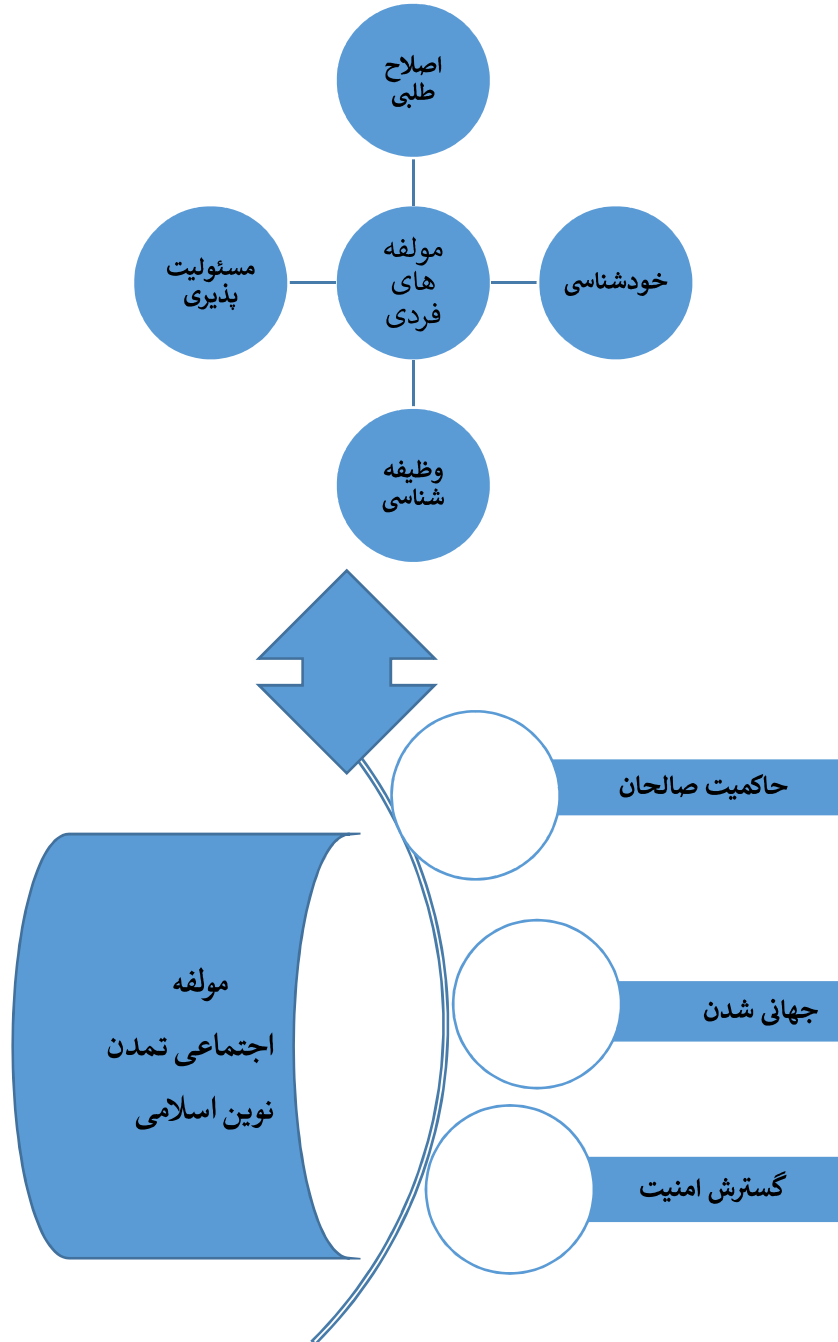
مؤلفه‌های فردی تمدن نوین اسلامی عبارت است از: اصلاح طلبی، خودشناسی، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری. تمدن مهدوی، تمدن مادی و معنوی است؛ از این رو، تمدن اسلام، در آخر زمان، راه و رسم جدیدی را در پی خواهد گرفت. این تمدن چون از وحی سرچشمه می‌گیرد از هرگونه خرافه‌ای که در طول زمان بر چهره آموزه‌های اسلام نشسته، پاک خواهد شد.

برای سوق دادن جامعه به سوی تمدن سازی نوین اسلامی، عمل به سه وظیفه خودشناسی، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری، ضروری است. در اسلام خودسازی به عنوان جهاد اکبر، از وظایف بسیار مهمی است که هر فرد باید به آن بپردازد. خودسازی می‌تواند در ابعاد جسمی، روحی، فکری، اخلاقی و به خصوص ایمانی و اعتقادی صورت گیرد. برای رسیدن به خودسازی لازم است فرد ابتدا خود را در تمامی ابعاد وجودی خویش بشناسد، ثمره این خودشناسی، معرفت خداوند است که در خودسازی و تربیت خود تجلی می‌یابد.

از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود. همه به خصوص طلاب و روحانیون نسبت به حفظ و حراست از انقلاب و ارزش‌های آن، مسئولیت و وظیفه داشته و در این باره باید با بصیرت و مجاهدت انقلابی به سهم خود در تحقق منویات و فرمایشات مقام معظم رهبری بکوشند و تلاش کند مردم را هر چه بیشتر و بهتر به سمت شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی سوق دهد. بعد از شناخت وظایف، انسان موظف است نسبت به انجام وظایف خود احساس مسئولیت داشته باشد و آن را به درستی انجام دهد و کم‌کاری در این مورد نشان از عدم تعهد و فقدان مسئولیت است.

مؤلفه های اجتماعی تمدن نوین اسلامی نیز عبارت است از: حاکمیت صالحان، جهانی شدن اسلام و گسترش امنیت. انبیاء الهی، در صدد تشکیل جامعه ایده آل بر اساس خدا پرستی و ارزش های الهی در سراسر زمین بوده اند و هر کدام در حد امکان، قدمی در این راه برداشته اند؛ اما برای هیچ یک از آنها شرایط تشکیل حکومت جهانی، فراهم نشده است؛ لکن خداوند در قرآن وعده تحقق حکومت الهی را در پهنه زمین داده است.

علت اصلی قیام حضرت مهدی علیه السلام، تشکیل حکومت جهانی و دست یافتن به حاکمیتی مقتدر و الهی است، حاکمیتی که فراگیر بوده و شامل تمام نقاط روی زمین می شود. در چنین حکومتی، دین اسلام، دین رسمی جهان شده و بانگ توحید از همه جا طنین افکن خواهد شد. تمدن مهدوی از نیرومندترین تمدن هایی است که جهان به خود دیده است و استقرار امنیت از آرمان های بزرگ این تمدن است. برقراری امنیت در سطح جهانی، کاری دشوار است و تجربه نشان داده که هیچ حکومتی نتوانسته است این امر را تحقق بخشد، اما خداوند، این امر مهم را برعهده حضرت مهدی علیه السلام قرار داده است. در آن زمان امنیت از همه جهات آن یعنی امنیت مالی، جانی، آبرویی، فکری و فرهنگی، اعتقادی، روحی و روانی، و ... تأمین خواهد شد.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.
۳. ابراهیم زاده آملی، نبی الله، ۱۳۸۷ش، حاکمیت دینی، بی جا، بی چا، نشر اداره آموزشهای عقیدتی-سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۴. ابن منظور، بی تا، لسان العرب، بی جا، بی چا، بی نا.
۵. احمدی میانجی، علی، بی تا، مکاتیب الرسول، بی جا، ج ۱، بی چا، دار الحدیث.
۶. بالا دستیان، محمد امین و همکاران، ۱۳۸۳ش، نگین آفرینش، تهران، اول، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
۷. بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵ش، فرهنگ ابجدی، تهران، دوم، انتشارات اسلامی.
۸. تمیمی، عبد الواحد، ۱۳۶۶ش، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، اول، دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. جمعی از نویسندگان، بی تا، دانشنامه بزرگ اسلامی، بی جا، ج ۱۱، بی چا، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش، امام مهدی علیه السلام موعود موجود، قم، بی چا، مرکز نشر اسراء.
۱۱. حرانی، ابن شعبه، بی تا، تحف العقول عن آل الرسول، بی جا، بی چا، جامعه مدرسین.
۱۲. حسینی حلی، علی بن طاووس، ۱۳۷۰ش، ألملاحم والفتن، قم، اول، شریف رضی.
۱۳. حکیمی، محمد، ۱۳۷۴ش، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم، بی چا، بوستان کتاب.
۱۴. خامنه ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>.
۱۵. خامنه ای، علی، ۱۳۵۹ش، آینده در قلمرو اسلام، تهران، هفتم، بی نا.
۱۶. دشتی، محمد، ۱۳۸۶ش، ترجمه نهج البلاغه، قم، سی و دوم، الهادی.
۱۷. دیلمی، حسن، ۱۳۷۰ش، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، ج ۲، اول، شریف رضی.
۱۸. دین پرور، جمال الدین، ۱۳۷۹ش، جهانگشای عادل، تهران، یازدهم، بنیاد نهج البلاغه.

۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۲ش، مفردات فی غریب القرآن، تهران، بی جا، المكتبة المرتضویه.
۲۰. راوندی، قطب الدین، ۱۳۶۷ش، الخرائج و الجرائح، قم، ج ۲، اول، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۲۱. رحیمیان، سعید، ۱۳۸۴ش، ارتباط خودشناسی با خداشناسی در عرفان ابن عربی، انجمن معارف اسلامی ایران، ش ۲.
۲۲. رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۵ش، قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، قم، دوم، مسجد مقدس جمکران.
۲۳. همان، ۱۳۸۵ش، حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور، قم، بی جا، مسجد جمکران.
۲۴. رودگر، محمدجواد، ۱۳۸۲ش، معرفت نفس در تفسیر المیزان، رواق اندیشه، ش ۱۸.
۲۵. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵ش، فروغ ابدیت، قم، بیست و یکم، بوستان کتاب.
۲۶. سلیمیان، خدا مراد، ۱۳۸۳ش، فرهنگ نامه مهدویت، بی جا، اول، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.
۲۷. سیاح، احمد، ۱۳۶۵ش، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، دهم، انتشارات اسلام.
۲۸. شعیری، تاج الدین، ۱۳۶۳ش، جامع الأخبار، قم، اول، انتشارات رضی.
۲۹. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۸ش، کمال الدین و تمام النعمه، قم، ج ۱، پنجم، مسجد جمکران.
۳۰. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۵ش، المیزان، قم، ج ۱۵ و ۱۸، پنجم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۶۱ش، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، ج ۲، اول، مرتضی.
۳۲. همان، ۱۳۴۹ش، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، سوم، اسلامی.
۳۳. طبسی، نجم الدین، ۱۳۸۵ش، چشم اندازی به حکومت امام زمان، قم، پنجم، بوستان کتاب.
۳۴. عالی، مسعود، ۱۳۹۳ش، مسأله مهدویت، قم، اول، عطش.
۳۵. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، بی تا، روضة الواعظین، قم، ج ۲، اول، انتشارات رضی.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، بی تا، العین، بی جا، ج ۲، بی جا، مؤسسه دار النشر.
۳۷. قزوینی، محمدکاظم، ۱۳۹۶ش، زندگانی امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه: داوود



حسینی، تهران، چهارم، یاس بهشت.

۳۸. کارگر، رحیم، ۱۳۸۷ش، آینده جهان، تهران، سوم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.  
۳۹. همان، ۱۳۹۱ش، سیمای حکومت مهدوی، مشهد، بی جا، انتشارات قدس رضوی.  
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲ش، الکافی، تهران، ج ۱ و ۲، دوم، اسلامیه.  
۴۱. مجتهدی سیستانی، مرتضی، ۱۳۸۷ش، دولت کریمه امام زمان علیه السلام، قم، چهارم، الماس.  
۴۲. مجلسی، محمد باقر، بی تا، بحار الأنوار، بیروت، ج ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶، بی جا، مؤسسه الوفاء.  
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۹ش، آموزش عقاید، قم، چهارم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۴۴. مظاهری، حسین، ۱۳۶۹ش، جهاد با نفس، قم، بی جا، نشر انجمن اسلامی معلمان.  
۴۵. مفید، محمد بن نعمان، ۱۳۷۱ش، الإرشاد، قم، ج ۲، اول، کنگره شیخ مفید.  
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۷ش، مهدی علیه السلام انقلابی بزرگ، قم، بی جا، هدف.  
۴۷. همان، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، ج ۷ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۲۳، اول، دارالکتب اسلامیه.  
۴۸. همتی، مهدی، ۱۳۸۵ش، انقلاب مهدی علیه السلام از آغاز تا پایان، قم، اول، جام جوان.  
۴۹. نصری، عبدالله، ۱۳۶۱ش، مبانی انسان شناسی در قرآن، تهران، بی جا، بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت.

۵۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه ای: [khamenei.ir](http://khamenei.ir)